

# آفتاب

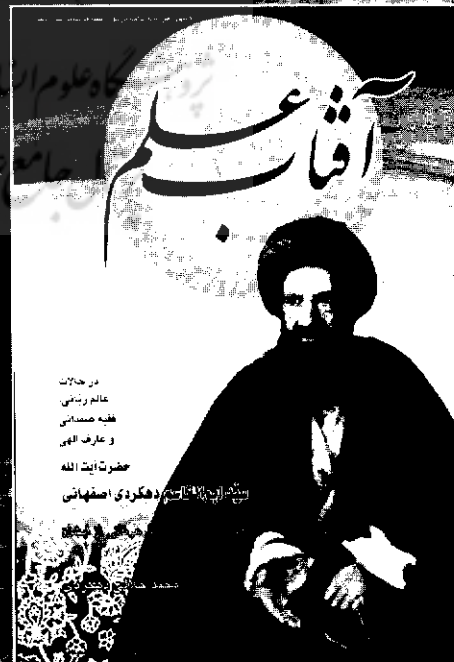
حسب حال و زندگینامه به زبان پارسی اندک نیست و در نیم قرن اخیر نوشتن خاطرات و زندگینامه در بین ایرانیان رواج بیشتری یافته و این زمانی است که غرب این مرحله شرح حال نگاری را که شاید نوعی شخص پرستی باشد، پشت سر نهاده است. البته منظور مصاحبه با اشخاص و خاطرات سیاسی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی و زندگینامه‌های خود نوشت نیست بلکه مراد نگارش‌هایی است درباره شرح احوال که شخصی برای دیگری مهیا می‌سازد. در این میان چه بسیاری از یادنامه‌ها که انتشار می‌یابد ولی بردشان چندان اندک است که کمتر کسی از آنها باخبر می‌شود، همچنین بسیاری از شخصیت‌هایی که حقی به سزا بر گردن ملت ما دارند هنوز شرح حال آنان تألیف نگشته و فقدان آن احساس می‌شود و درد می‌افزاید.

زیست‌نامه‌ها همیشه خواندنی و پرکشش‌اند زیرا نیازی به دانستن دانشی خاص و پیش‌زمینه علمی ویژه‌ای ندارند. این مجموعه‌ها به‌ویژه هنگامی خواندنی‌تر و صمیمی‌تر می‌شود که اندکی از دستورات عمل‌های عرفانی و اشارات و آموزه‌های روح پرور عارفان وارسته و پیوسته را نیز به همراه خویش داشته باشد.

در بازار زندگینامه‌نویسی و یادواره و یادنامه خوانی آنچه بی‌تذکر مانده و فراموش شده آن است که هدف اساسی این گونه نگارش‌ها غیر از فواید اخلاقی و ادبی و علمی حاصل، زنده شدن خاطره‌ای از بزرگان دانش و دین است که عند ذکرا الصالحین تنزل الرحمة؛ و این دست کتاب‌ها که اکنون ارزش چندانی برایشان قائل نمی‌شویم و برای خوانندشان تنها اندکی از وقتمان را - آن هم قبل از خواب - در اختیار می‌گذاریم زمانی آینه وسیعی برای بخش بزرگی از هویتمان خواهند بود.

کتاب آفتاب علم نگاشته پژوهشگر معاصر جناب حجت الاسلام والمسلمین مجید جلالی به سفارش دفتر تبلیغات اسلامی - که مدت‌هاست کتاب‌های ارزشمند و کم‌مانندی را منتشر ساخته است - برای شناساندن آثار و اندیشه‌های آیت‌الله العظمی سیدابوالقاسم دهکردی اصفهانی که به مناسبت و هم‌زمان با کنگره بزرگداشت آن بزرگمرد روانه بازار شده است.

سیدابوالقاسم بن محمدباقر دهکردی<sup>۱</sup> اصفهانی در رجب سال ۱۲۷۲ متولد شد و پس از تحصیل مقدمات علوم حوزوی به نجف اشرف رفته و



حتی ساعت پانهادن به این جهان را هم ثبت نموده‌اند (ص ۱۷)؛ سیدمحمدباقر دهکردی از علمای مشهور و خوشنام آن عصر با دختر ملامحمدابراهیم دهکردی ازدواج می‌کند و حاصل آن پنج پسر می‌گردد که مشهورترین آنها سیدابوالقاسم است.

سیدابوالقاسم در دهم ربیع‌الاول ۱۲۸۴ از دهکرد (شهرکرد فعلی) به چهارمحال آمده و مشغول خواندن اتمله و نصاب‌الصیبان می‌شود و یازده - دوازده ساله است که به اصفهان آمده و از محضر درس بزرگانی چون محمدبن حاج محمدابراهیم کلیاسی مشهور به آقامیرزا ابوالمعالی (متوفی ۱۳۱۵ ق)، شیخ محمدباقر نجفی (متوفی ۱۳۳۰ ق)، میرزا محمدحسن نجفی (متوفی ۱۳۱۷ ق)، حکیم ملااسماعیل دربکوشکی (متوفی ۱۳۰۴ ق)، مولی محمدباقر فشارکی (متوفی ۱۳۱۴ ق) صاحب کتاب عنوان‌الکلام و دیگرانی چند، راه را درمی‌نوردد و به فتح قلعه بلند اجتهاد نایل شده و نمازهای گذشته را قضا می‌کند (ص ۲۰)!

استادان سیدابوالقاسم در اصفهان موضوع بعدی است که در مجموع شش تن از آنان معرفی شده و درباره هر یک چند سطری نگاشته شده است (ص ۲۰-۲۵) و به همین سبک استادانی که سیدابوالقاسم در ۲۹ سالگی به سویشان در عتبات عالیات عزیمت نموده و در مکتب آنان زانوی شاگردی زده است ذکر می‌شود: میرزا محمدحسن شیرازی صاحب حکم معروف تحریم تنباکو - نخستین مقاومت منفی - (ص ۲۶)، آخوند خراسانی از اجلة تلامذة شیخ انصاری و میرزای شیرازی (ص ۳۰)، میرزا حسین نوری صاحب مستدرک الوسائل و دیگران.

فصل دوم به زمانی می‌پردازد که سیدابوالقاسم پس از طی مدارج علمی در ۱۳۰۹ قمری از عتبات به اصفهان بازگشته و به تربیت شاگردانی چون آیات عظام: امام خمینی(ره)، بروجردی، سیدشهاب‌الدین مرعشی، سیدمحمدرضا خراسانی، حاج آقا رحیم ارباب، بانوی مجتهدة ایرانی، سیدحسن چهارسوقی از نوادگان صاحب روضات الجنات مرتضی مظاهری، سید عبدالحسین طیب (صاحب تفسیر اظیاب‌البیان)، سیدمحمد تقی موسوی احمدآبادی (صاحب مکیال المکارم)، ملاعلی مارینی و ده‌ها تن دیگر از بزرگان و برجستگان معارف و علوم دینی و حوزوی آستین همت بالا زده و به عده‌ای از آنان اجازه اجتهاد و روایت داده است. آنچه این صفحات را خواندنی‌تر و شیرین‌تر کرده آن است که علاوه بر شرح کوتاهی از زندگانی و تألیف هر شخصی که از او به عنوان شاگرد یا استاد صحبتی به میان می‌آید عکس و تمثالی از وی نیز زینت‌بخش آن صفحه است و همچنین هرکجا سندی و صورت اجازه‌ای در دسترس بوده منعکس گشته است از جمله صفحات ۴۲ تا ۴۵ شرحی است که سید ابوالقاسم به درخواست آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی از زندگانی خویش به خط زیبای خود نوشته است.

حاصل تلاش علمی و عملی این عالم بزرگ به غیر از ملکات نفسانی و مقامات عرفانی و برکات و خدمات پراچ و گرانمایه اجتماعی و تربیت و برآوردن شاگردانی که نام عده‌ای از آنان برده شد برجای گذاشتن بیش از ۲۰ اثر ارزنده در معارف مختلف اسلامی و دانش‌های گوناگون است (ص ۵۶) که تعداد ۲۴ عنوان از آنها معرفی و در موضوعات فقهی،

از محضر علمای بزرگ آن سامان استفاده‌ها برد و آن‌گاه که به تکمیل علوم و معارف اسلامی نایل شد به اصفهان بازگشت و کمرهمت به تدریس و ارشاد ابنای روزگار بست.

چهل سال محفل درسش در مدرسه صدر بازار اصفهان تشکیل می‌شد و بسیاری از فضلا به محضرش می‌شتافتند؛ وی علاوه بر مراتب علم و دانش، خطیبی بارع و عارفی سالک بود که حیات علمی را با سلوک عملی همراه ساخته‌ها بود. هیچ زمان کرسی درس، وی را از منبر وعظ و ارشاد مردم و اقامه جماعت و حل و فصل امور مسلمین بازداشت. جمعیت کثیری از خواص و عوام به مجلس وعظش حاضر می‌شدند و از بیانات رسا و زیبایی او فیض می‌بردند. تدریس او خالی از مواظب شافیه و منبرهایش بی‌مطلب و غیرعلمی نبود و مطالب فلسفی و توحیدی را به اندازه‌ای ساده و روان بیان می‌داشت که برای عوام هم‌گویی از روشن‌ترین و بدیهی‌ترین مسائل روزمره زندگی است. منبرالوسیله اثر بی‌مانندی است که حاصل این وعظ‌های علمی و سهل ممتنع است.

ترازوی معرفت، حق‌گزاری از یک سو را نمی‌پذیرد؛ تلاش و عشق وی به مردم موجب آمد که مردم اصفهان ارادت ویژه‌ای به او بورزند تا آن جا که به اشاره او برای ساخت صحن و حرم زیارتگاه زینبیه - که در یک فرسنگی اصفهان و متعلق به زینب دختر موسی‌بن جعفر علیهم‌السلام است - پیر و جوان و زن و مرد با خود آجر و گچ و مصالح خرد و کلان ساختمانی حمل می‌کردند تا برای ساخت امامزاده به کار آید.

وی در ششم شوال ۱۳۵۳ هجری قمری پس از هفتاد سال تحصیل علم و معرفت و تقوا و تربیت شاگردان درخور اقتدا و تهذیب نفوس و تبلیغ و ترویج دین مبین اسلام در ۸۱ سالگی با پیک اجل خنده‌زنان بیرون شد و پیکر بی‌جانش برحسب وصیت<sup>۲</sup> به مقبره زینبیه که با پایمردی هم‌احیا و بازسازی شده بود حمل و در یکی از اتاق‌های محقر سمت غربی صحن دفن شد تا خود تأییدی باشد بر راستین بودن این امامزاده واجب‌التکریم که در رد و قبول آن سخن‌ها رانده و مقاله‌ها نوشته بودند.<sup>۳</sup>

آفتابی از جهان مستور شد

روز روشن چون شب دیچور شد

منخسف مه منکسف شد آفتاب

آفتاب علم<sup>۴</sup> چون شد در حجاب<sup>۵</sup>

مرحوم دهکردی را تألیفات و رسائل چندی است در فقه و اصول، تفسیر، حدیث، اخلاق و عرفان که بخش بیشتر آنها هنوز طبع نشده است. آفتاب علم زندگی این عارف وارسته و فقیه زاهد را از ولادت تا وفات مورد بحث قرار داده و دفتر پربرگ حیات با برکتش را با یک ورق زده و چهره شایسته او را در مقابل دیده خوانندگان داشته است.

این مجموعه که دومین کتابی است که دفتر تبلیغات اسلامی استان اصفهان فراراه پژوهندگان قرار می‌دهد با مقدمه‌ای پیشگفتارگونه آغاز می‌شود (ص ۹-۱۱) و پس از ترسیم تصویری زیبا از سیدابوالقاسم فصل نخست رو می‌نماید که عهده‌دار شرح درباره خانواده، زمان تولد، چگونگی تحصیل و استادان وی در ایران و عتبات عالیات است. در تاریخ تولد ایشان - اول رجب ۱۲۷۲ قمری - اختلافی نیست و خود

اگر زاید بر این تکلف، احدی ما را به محضر خود وعده نگیرد. خودمان نیز به همین روش می‌نماییم. هرچه کمتر و مختصرتر از این تکلیف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود...» (ص ۶۰-۶۱).

فصل سوم فصلی اخلاقی و عرفانی است و صفحات ۷۱ تا ۷۹ دستورالعملی عرفانی از سیدابوالقاسم است که از جلد اول کتاب دوجلدی منبرالوسیله (در بیان اصول عقاید به سبک فلسفی) نوشته همو که پس از سال‌ها که از چاپ سنگی<sup>۴</sup> آن می‌گذرد اکنون به کوشش مجید جلالی دهکردی - پژوهنده کتاب آفتاب علم - انتشار یافته،<sup>۵</sup> نقل شده است. پس از دستورالعمل، حکایت‌های عرفانی و تازه‌یابی که به واسطه سید ابوالقاسم به ما رسیده از همان جلد اول منبرالوسیله نقل شده است: وصیت میرابوالقاسم فندرستی درباره غسل و دفن خویش، جریان تشرف سید بحرالعلوم و کرامتی از او و مانند آن.

فصل چهارم دربردارنده سخنان بزرگی چون سیدمحسن امین در اعیان‌الشیعه، محمدعلی مدرس تبریزی در ریحانة‌الادب و دو کلام کوتاه و خواندنی از آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و آیت‌الله شیخ علی مشکوة درباره سیدابوالقاسم و در پایان، زندگی‌نامه خود نوشت آیت‌الله سید ابوالقاسم دهکردی به نقل از کتاب زندگانی آیت‌الله چهارسوقی آمده است.

فصل پنجم: و سرانجام بعد از ۸۱ سال و سه ماه عمر پرجوش و خروش، روح عالم ربانی و عارف واصل به ملکوت اعلا پیوست؛ یکشنبه ششم شوال ۱۳۵۳ قمری شهر اصفهان یکپارچه عزادار شد و روز هفتم شوال پیکر آیت‌الله دهکردی از مسجد حکیم به طرف زینبیه، مرقد منسوب به حضرت زینب دختر باب‌الحوایج - علیهماالسلام -، حرکت داده شد و جمعیت زیادی با پای پیاده در تشییع وی شرکت نموده و پیکر عالم شهر خویش را در طرف غربی زیارتگاه زینبیه به خاک سپردند (ص ۱۰۳).

آن اسام و پیشوای اهل دین  
ای دریغاً گشت پنهان در زمین  
گشت ویران مسجد و هم مدرسه  
در هزار و سیصد و پنجاه و سه

(۱۳۵۳ ق)

فصل ششم شرح بزرگان خاندان و فرزندان و بستگان سیدابوالقاسم است: جد مادری - صاحب اجازه اجتهاد از سید حجت‌الاسلام شفتی -، شهید آیت‌الله آقا جلال‌الدین بت‌شکن که بر اثر شایعه‌ای مبنی بر این که وی اسامی جوانان شهر را به اداره نظام وظیفه برای سربازی داده است، وی را در برف و باران کشان کشان به مسجد جامع شهرگرد برده او را غریبانه به شهادت رساندند (ص ۱۱۶)؛ ملامحمدحسن، دایی و پدرزن سیدابوالقاسم، که از عرفا و صاحب مقامات معنوی و کرامات بسیار و از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری که حاجی سبزواری ایشان را ملقب به «سکوت» نموده بودند (ص ۱۱۱)؛ سیداحمد نوربخش دهکردی مفسر قرآن مجید - برادر سید ابوالقاسم دهکردی -؛ ملامحمدحسین

اصولی، تفسیر و حدیث، اخلاقی و عرفانی تقسیم‌بندی و آنهایی که تاکنون به چاپ رسیده‌اند مانند حاشیه‌هایی بر جامع عباسی شیخ بهایی و نخبه محمدابراهیم کلباسی مشهور به حاجی کلباسی (متوفی ۱۲۶۱ ق) و هدایة‌الأنام (رساله عملیه) و جلد نخست منبرالوسیله از نسخه‌های خطی‌ای که نزد نوه آن مرحوم نگهداری می‌شود، مشخص و متمایز شده است.

قرارداد چند تن از علمای اصفهان در تحریم بازار خارجی و اهل واقور که سیدابوالقاسم نیز زیر آن قرارداد را مهر فرموده از جمله مبارزات و فعالیت‌های سیاسی ایشان است و نشان می‌دهد که «با مرحوم آیت‌الله شیخ محمدتقی نجفی و حاج آقا نورالله همفکری و همکاری در مبارزه داشته‌اند» (ص ۶۰)، مهاجرتی اعتراضی به قم داشته و با سلطه بازار خارجی در ایران و شهر اصفهان مخالفت نموده‌اند. در بخشی از این قرارداد آمده است:

«اولاً: قبالحجّت و احکام شرعیه از سنبه به بعد روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود. اگر بر کاغذهای دیگر نویسند مهر نموده و اعتراف نمی‌نویسیم. قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد امضا نمی‌نماییم، حرام نیست کاغذ غیرایرانی و کسی را مانع نمی‌شویم، ماها به این روش متعهدیم.

ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس<sup>۶</sup> و پارچه اردستانی یا پارچه دیگر غیر ایرانی باشد متعهد شده‌ایم بر آن میت ماها نماز نخوانیم. دیگری برای اقامه صلوة بر آن میت بخواهند، ماها را معاف دارند.

... رابعاً: میهمانی‌ها بعد ذلک ولو اعیانی باشد، چه عامه چه خاصه، باید مختصر باشد، یک پلو و یک چلو و خورش و یک افشوره.



برای نمونه اشاره به کتاب خطی «سیدابوالقاسم مجتهد دهکردی حسینی» تألیف سیدمصالح‌الدین مهدوی چندین بی‌فایده نبود به‌ویژه آن که خواننده در پی است تا تک‌نگاری پیش رو را در سیر نگارش‌های مستقل پیشین مورد بررسی قرار دهد.

**بی‌نوشت‌ها:**

۱ - کنگره بزرگداشت آیت‌الله دهکردی به همت اداره ارشاد استان چهارمحال و بختیاری در روز هفتم آبان ۱۳۷۹ در محل دانشگاه شهرکرد برگزار شد.

۲ - مرکز استان چهارمحال و بختیاری.

۳ - مینای وصیثشان آن بود که در گورستان عمومی شهر همچون تخت پولاد، عالمان و صالحان و شهیدان فراوان اند ولی همچون سیم‌اند اما مقبره زینبیه منسوب به اهل بیت است و در حکم زر.

۴ - ازجمله می‌توان به کشف‌الخبیة عن مقبره زینبیه اثر محمدعلی معلم حبیب‌آبادی و زینبیه اصفهان اثر سیدمصالح‌الدین مهدوی اشاره کرد.

۵ - نام کتاب حاضر برگرفته از کلمات همین ابیات است.

۶ - شعر از آیت‌الله سیدمحمدباقر امامی نجفی برادرزاده سیدابوالقاسم دهکردی.

۷ - کرباس غیر از آن که پارچه‌ای وطنی است از محبوبیتی معنوی در میان شیعیان نیز برخوردار بوده است.

۸ - نیز ر.ک: به بیان‌المفاخر، سیدمصالح‌الدین مهدوی، اصفهان، کتابخانه مسجد سید، چاپ اول ۱۳۶۸ ش، ج ۲، ص ۱۸۳؛ اسنادی از مجامع مذهبی در دوره پهلوی، تهران، مرکز اسناد ریاست‌جمهوری، ش ۱۷، چاپ اول ۱۳۸۱ ش.

۹ - اصفهان، ۱۳۲۶ ق، وزیری، ج ۱، ص ۴۱۳.

۱۰ - با مقدمه جعفر سبحانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۹ ش، ج ۱.

۱۱ - همچنین بسیاری از عکس‌ها بدون مناسبت آمده‌اند ازجمله در صفحه ۱۱۲ عکس آقایوسف آل‌ابراهیم آمده ولی خواننده آگاه نمی‌گردد که وی کیست و شرح حالش چیست و به چه مناسبت باید به او پرداخته شود.

۱۲ - اغلاط مطبعی ازجمله در ص ۳۶، س ۱، ص ۹۸، س ۱۹، ص ۱۰۰، س ۲۱ و چاپ دستور ویرایشگر در صفحات ۲۷ و ۱۲۷ وارد شده‌اند.

۱۳ - ر.ک: ص ۲۵، ۴۶، ۱۱۰ و ۱۱۶.

۱۴ - همچنین به نقل از دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۹۹) می‌توان ابوالقاسم دولت‌آبادی و به نقل از بیان‌المفاخر (ج ۲، ص ۱۸۹) محمدحسین بن محمدصالح جویباره‌ای را در شمار شاگردان دهکردی ثبت کرد.

۱۵ - نسخه خطی این اجازه در کتابخانه رضوی کاشان موجود است (نشریه نسخه‌های خطی، دفتر ۷، ص ۴۲).

۱۶ - آفتاب علم، ص ۱۰۳.

۱۷ - همان، ص ۱۲۴-۱۲۵.

۱۸ - همان، ص ۴۶؛ همچنین در صفحه ۱۱۰ تاریخ امضای نامه

۱۲۶۴ آمده که صحیح آن ۱۲۴۶ ق است.

دهکردی؛ و فرزندان پسر آیت‌الله دهکردی: سیدحسین که از اهل علم شد و به تحصیل در نزد سیدابوالقاسم پدر خود، و شیخ علی مدرس یزدی و شیخ محمد حکیم خراسانی پرداخت و پس از فوت پدر در مسجد شیخ الاسلام نماز جماعت اقامه می‌کرد و در سال ۱۳۳۷ خورشیدی دار فانی را وداع گفته و در جوار پدر در زینبیه آرمید و سیدصدرالدین دیگر فرزند آیت‌الله دهکردی که در کسوت روحانی نبود (ص ۱۲۲)، پایان‌بخش کتاب است.

کتاب حاضر با همین حجم اندک و مختصر ۱۲۸ صفحه‌ای بسیار آموزنده، مغتنم، کارآمد و آگاهی‌بخش است و آنچه که از این پس می‌آید یادآوری چند نکته خرد و خرده‌گیری‌های تذکرآمیز است که شاید به سودمندی آفتاب علم یاری رساند:

۱. چاپ ناهنجار عکس‌ها و ذکر نشدن منبع آنها<sup>۱۱</sup>

۲. اغلاط مطبعی و چاپ دستوره‌های ویرایشی ویراستار!<sup>۱۲</sup>

۳. شیوه نادرست ذکر مأخذ چنانچه در صفحات ۹۳ تا ۹۵، ۱۱۴، ۱۳۵ و ۲۴۴ مقصود از تذکرةالقبور کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان تألیف سیدمصالح‌الدین مهدوی و در صفحه ۴۳ مقصود از تذکرةالقبور کتاب تذکرةالقبور تألیف عبدالکریم گزی تصحیح ناصر باقری بیدهندی است.

۴. عدم رعایت در نقل قول‌های داخل گیومه و اضافه کردن جملات داعی و کلمات توضیحی بدون تذکر و استفاده از علامت قلاب [ ] و حذف مطالب و تلخیص منقولات بدون هیچ‌گونه نشانه‌ای.

۵. تعقیدهای مختلف در نثر کتاب.<sup>۱۳</sup>

۶. معرفی نکردن نسخه‌های خطی و چاپی آثار دهکردی به ویژه کتاب منبرالوسیله که بارها به نقل مطالبی از آن پرداخته و چاپ جدیدی از آن را نوید می‌دهد.

۷. یکنواخت نبودن شرح حال شاگردان و استادان دهکردی که گاهی تاریخ تولد و وفات آنان ذکر شده و در مواردی مسکوت مانده است.

همچنین از طبقه شاگردان صاحب ترجمه حضرات آیات: آقااحسین موسوی بی‌آبادی، سیدکمال‌الدین نوربخش، محمدعلی معلم حبیب‌آبادی، سیدعباس‌بن علی دهکردی، آقا میرزا محمدابراهیم شمس‌آبادی<sup>۱۴</sup> و از طبقه استادان دهکردی مرحوم آقا اسماعیل صدر و مرحوم شیخ راضی نجفی از قلم افتاده‌اند. نیز به اجازه دهکردی به سیدمحمدحسین هبة‌الله رضوی کاشانی اشاره‌ای نرفته است.<sup>۱۵</sup>

۸. عدم ذکر منابع مورد استفاده برای نقل وصیت ایشان درباره محل دفن<sup>۱۶</sup> و اجازه‌نامه ایشان به آیت‌الله العظمی بروجردی.<sup>۱۷</sup>

۹. سال تولد سیدمحمدرضا خراسانی حدود سال ۱۲۰۲ قمری آمده<sup>۱۸</sup> که صحیح آن ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۱۱ و سال ۱۳۰۲ سال وفات پدر بزرگ سیدمحمدرضا خراسانی است.

۱۰. بی‌دقتی در ارجاع به منابع مورد استفاده چنانچه در صفحه ۲۷ در نقل قولی درباره مشایخ اجازه آیت‌الله العظمی بروجردی به تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان، ج ۲، ص ۲۲۷ ارجاع می‌دهد که صحیح آن ج ۲، ص ۲۷۷ است.

۱۱. ارائه نکردن منابع شرح حال دهکردی و کتابشناسی جامعی از او.